

یادداشت

خوانشی بر یک مصوبه

نادر امینی‌پارسا*

● امنیت قضائی آن‌قدر مسئله مهم و چالش‌برانگیزی است که یکی از اقدامات ریاست محترم قوه قضائیه تصویب سندی تحت این عنوان در اجرای بند «ب» ماده ۱۲۰ قانون برنامه ششم و اهداف بندهای ۶۶ و ۶۷ سیاست‌های کلی قانون برنامه ششم توسعه بود. هدف این سند ایجاد امنیت قضائی برای شهروندان و نیل به عدالت قضائی در فرایند رسیدگی‌های حقوقی و کیفری است. برای رسیدن به این هدف به اصول و قواعدی استناد شده است که غالب آنها در قوانین موضوعه کشور از جمله قانون اساسی و قوانین عادی وجود دارد و اما قرائت‌های متفاوت با عدم اجرای دقیق آنها ریاست محترم قوه قضائیه را در دوره جدید بر آن داشته که بر رعایت آنها تأکید کند. نظام قضائی در قانون اساسی نقش بنیادین و اساس را دارد، بنابراین اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق‌بخشی به عدالت را بر عهده قوه قضائیه نهاده است. امنیت قضائی در صورتی به وجود می‌آید که حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت کامل قانون و مصون از تعرض باشد. فقدان امنیت قضائی موجی از نارضایتی، ناامنی و بی‌اعتمادی به دستگاه قضائی را به وجود می‌آورد که منجر به سست‌شدن یکی از ارکان اساسی نظام و در نتیجه ضربه به حاکمیت می‌شود، بنابراین قوه قضائیه متولی ایجاد امنیت قضائی است اما قوای دیگر از جمله قوه مقننه می‌توانند با تصویب قوانین ناکارآمد و غیرکارشناسی این امنیت را در معرض خطراتی قرار دهند. وکلای دادگستری و سردفتران اسناد رسمی اگرچه مستقیم از حاکمیت حقوق دریافت نمی‌کنند و حتی با پرداخت مالیات و استخدام افرادی جهت رتق و فتق امور به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد عمومی نیز کمک می‌کنند اما این امر به مثابه آن نیست که دیگر این دو شغل به حال خود رها شوند و به عنوان تجارتخانه‌ای که دخل آن پر شود، نگریسته شوند، چراکه عملکرد این دو دسته تأثیر مستقیمی بر عملکرد قوه قضائیه دارد. اگرچه یکی از پایه‌های نظام قضائی اداره ثبت اسناد و املاک است ولی با این حال اداره ثبت اسناد سند یا اسنادی بین مردم تنظیم نمی‌کند بلکه کار این اداره انعکاس اسنادی است که سردفتران فی‌مابین اشخاص حقیقی یا حقوقی تنظیم می‌کنند و این سردفتر اسناد رسمی است که تأیید می‌کند امضاکنده سند همان شخصی است که نام وی در دفتر املاک به‌عنوان مالک سند قید شده است، به‌علاوه در تصدیق اسناد با اصل آن جهت ارائه به نهادهای مختلف بایگام وظیفه می‌کند. عملکرد ناکارآمد و صالح‌نبودن سردفتر اسناد رسمی و خارج‌شدن این شغل از کنترل می‌تواند به شدت اعتبار اسناد رسمی را در معرض خطر قرار دهد. نقش وکیل دادگستری از سردفتر نیز مهم‌تر است چراکه دستگاه قضائی با اعتماد به وکالت‌نامه وکیل و اسنادی که ایشان تصدیق کرده است دادرسی عادلانه را برگزار می‌کند و چهره‌رسدگی‌های عظیم و تأثیرگذاری وجود دارد که حتی اصحاب دعوا (به عنوان مثال دیوان عدالت اداری) در محکمه حضور نمی‌یابند بلکه آنچه اتفاق می‌افتد تبادل اسنادی است که وکلا ارائه می‌کنند؛ تازه این نقشی کم‌اهمیت و پیش‌ایافته‌ای در شغل وکالت است چراکه کار وکیل و پروسه اخذ وکالت منوط به احراز استحقاق حق دفاع موکل و عدم تضییع حق طرف دادرسی از طرفی و دفاع صحیح و قانونی در محکمه از ذی‌حق است و از آنجا که رسالت وکیل به عنوان رافع شک دادرسی می‌تواند مسیر دادرسی را هدایت کند و طرز دفاع ایشان را ارائه دله و مستندات قانونی تأثیری مستقیم در رأی نهایی محکمه دارد، ارتباط ناگسستنی و تنگاتنگی میان امنیت قضائی و طرز دفاع وکیل وجود دارد. با وجود اینکه کانون وکلا و مرکز وکلای قوه قضائیه هرساله بر اساس آیینین مباردت به اعطای پروانه وکالت می‌کنند، گاه دیده می‌شود که حتی محاکم از کیفیت دانش وکلا رضایت ندارند یا وجود این ضرورت داشت تا مجلس شورای اسلامی به فکر سخت‌گیری‌هایی برای ورود به این حرفه باشد اما در کمال ناباوری و صرفاً با مصادره به مطلوب به این بهانه که چون بعضی دانشگاه‌ها به صدور مدارک بی‌رویه به فارغ‌التحصیلانی که متأسفانه حتی با آلبانی حقوق نیز بیگانه‌اند، بی‌کاری در بین فارغ‌التحصیلان حقوق را زیاد کرده‌اند، طرحی تصویب کرده که وکالت و سردفتری را در زمره کسب‌وکار قرار داده است، به بیان دیگر به منظور ایجاد اشتغال، افراد غیرمتخصص می‌توانند وارد این دو شغل حساس شوند که دود آن مستقیم به چشم مردم و دستگاه قضا می‌ورد و منجر به تضعیف امنیت قضائی و امنیت ملی کشور می‌شود. باید شورای محترم نگهبان به لحاظ مغایرت با قانون اساسی و اینکه تضعیف عدالت امری خلاف شرع است، از عواقب اجرای چنین طرح خطرناکی پیشگیری کند و ضرورت دارد که کانون وکلا و مرکز وکلای قوه قضائیه و دستگاه قضا با همفکری و تعامل با مجلس، راهی برای بازآموزی و پرورش افراد متخصص از بین فارغ‌التحصیلان رشته حقوق بیابد.

✱ وکیل پایه یک دادگستری دانشجوی دکتری حقوق

علی شالمو؛ علی‌محمد نمازی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران و نماینده مجلس ششم، درباره انتخابات ریاست جمهوری و فعالیت‌های این حزب برای سال ۱۴۰۰ با گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید:

✎ شرایط انتخابات ریاست جمهوری۱۴۰۰ میزان مشارکت مردم و تأیید صلاحیت نامزدها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
معتمد مسئولان اگر مشارکت بیشتر مردم را می‌خواهند، فیلتر بررسی صلاحیت‌ها را باز بگذارند و اجازه بدهند چهره‌های مختلف یا نیروهایی از گرایش‌های مختلف موجود به‌خصوص اصلاح‌طلب‌ها و اصولگراها حضور پیدا کنند در غیر این صورت، ریزش مشارکت‌کننده و آرای بسیار پایین در انتخابات ۱۴۰۰ مانند انتخابات دوره یازدهم مجلس خواهیم داشت.

✎ انتخابات شورای شهر را نیز پیش‌رو داریم...

امروز مردم، به خاطر شرایط موجود آن‌قدر ناراحت هستند که تحت تأثیر انتخابات شورای شهر قرار نخواهند گرفت، به‌خصوص که احتمال رد صلاحیت گسترده در شوراها نیز وجود دارد.

✎ فکر نمی‌کنید که بعضی از کاندیداهای اصلاح‌طلب هم در شورا و هم در ریاست جمهوری حضور پیدا کنند تا مردم پای صندوق‌های رأی بیایند؟

اعتقاد دارم اگر این اتفاق بیفتد، زمینه مشارکت از طریق تأییدکنندگان فراهم می‌شود اما برخی از سیاسیون به این موضوع بدبین هستند.

✎ آیا در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، به زنان حق کاندیداشدن، می‌دهند؟ آیا در شورای نگهبان، تصمیمی برای حضور و کاندیداشدن زنان در انتخابات گرفته‌اند؟

چندی‌پیش مصاحبه ک‌خدایی، سخنگوی شورا و عضو شورای نگهبان را خواندم که زنان می‌توانند کاندیدا شوند... شاید آقایان در شورای نگهبان می‌گویند که ما فیلترها را برای عبور اصلاح‌طلبان باز نمی‌کنیم ولی از طریق کاندیدای زنان، مشارکت مردم را بیشتر می‌کنند.

✎ به نظر شما نامزد ابدال و مطلوب اصلاح‌طلبان چه کسانی و با چه ویژگی‌هایی هستند؟

این دوره کاندیداها باید سه ویژگی داشته باشند. آگاه به مسائل کشور باشند و از مشکلات کشور به‌خوبی سردر بیاورند. مثلاً آقای روحانی این‌طور نبود. دوم اینکه شجاع باشد. یعنی اهل خطر‌کردن باشد و بتواند راهکارهای گره‌گشایی را پیدا کند. برنامه‌هایی را تدوین کند و به مجلس ارائه دهد. همچنین باید جهان‌بینی خوبی در زمینه مناسبات کشورهای مختلف و مواردی که بر مجامع بین‌المللی حاکم است، داشته باشد. یکی دیگر از موارد این است که رئیس جمهور باید بتواند مجلسی که تشکیل شده است را با خود همراه کند. این مجلس تخصص لازم را ندارد. رئیس جمهور بعدی باید یک اتاق فکر تشکیل دهد و مکمل کار خود باشد. همچنین در بحث انتخابات باید بتواند از حقوق شهروندان به‌خوبی دفاع کند.

✎ چندی‌پیش راجع به حسین مرعشی حرف‌هایی زدید، قرار است او را به‌عنوان نامزد اصلاح‌طلب‌ها معرفی کنید؟

خیر. نمی‌خواستم بگویم که مرعشی نامزد انتخابات می‌شود بلکه تأکید دارم نیاز است فردی مانند او در انتخابات حضور داشته باشد. تا امروز در شورای مرکزی از کاندیداهای اصلاح‌طلب هنوز اسمی به میان نیامده است. شورای مرکزی برای انتخابات ریاست جمهوری، راهبر্দ تعریف می‌کند که رئیس جمهور آینده باید مسیری را طی کند. شورای هماهنگی اصلاحات بیشتر روی کاندیداها رازینی می‌کند و حزب نیز نظرش را اعلام کرده است.

✎ با توجه به نارضایتی مردم از دولت فعلی و حمایت اصلاح‌طلبان از آن، تأثیر این حمایت در انتخابات ۱۴۰۰ چه خواهد بود؟

به‌طور قطع اثر منفی خواهد داشت و نمی‌توان این اثر منفی را در حمایت از روحانی انکار کرد ولی این تأثیر بیشتر به خاطر شیظنت اصولگراها و مخالفان نظام به وجود آمده است. مخالفان نظام می‌گویند هر چه از نظام دور ب‌ریزیم، به نفع‌مان است. اصولگراها نیز می‌گویند هرچه رقیب‌مان را از صحنه بیرون کنیم، به نفع‌مان است، کاندیدای اصلی اصلاح‌طلب‌ها روحانی نبود. اصلاح‌طلب‌ها با کاندیدای اصلی وارد انتخابات شدند اما وقتی او حذف شد، دوره داشت؛ یکی اینکه بگویند کاندیدا نداریم و از عرصه بیرون بروند. دوم

سیاست

گفت‌وگو با علی‌محمد نمازی درباره رویکرد حزب کارگزاران در انتخابات ۱۴۰۰

کارگزاران اگر مجبور باشد از لاریجانی حمایت می‌کند



اینکه با کاندیدای غیراصولی وارد صحنه شوند.

✎ عارف هم کاندیدای اصلی اصلاح‌طلبان بود؟

عارف از کاندیداهای اصلی ما نبود. کاندیدای اصلی ما در سال ۹۲ آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بود ولی سال ۹۶ کسی به میدان نیامد. عملکرد روحانی هم در چهار سال اول با به‌نتیجه‌رساندن برجام خوب بود و کشایش‌هایی برای کشور ایجاد شد که هاشمی نیز از او حمایت کرد. عارف نیز جزء کاندیداها بود ولی کاندیدای اصلی اصلاح‌طلب‌ها نبود. بیشتر جوان‌ها دور عارف جمع بودند. معتمد در سال ۹۲ باید اعلام می‌کردیم کاندیدایی نداریم. من مخالف حضور حزب، در انتخابات دوره یازدهم مجلس بودم، امروز نیز مخالف این امر هستم؛ چراکه مخالف رأی‌دادن به کاندیدای استیجاری هستم. ما اصلاح‌طلبان اگر کاندیدا نداشته باشیم، نباید از کاندیدای دیگر استفاده کنیم. فرض کنید مثلاً آقای مرعشی یا محسن هاشمی را تأیید کنند اما حزب اتحاد و سایر احزاب اصلاح‌طلب این کاندیداها را نپذیرند، آیا کاندیداها باید در انتخابات شرکت کنند؟ ما در انتخابات مجلس کاندیدا نداشتیم و از بین افرادی که شرکت کردند، فهرست تهیه کردیم.

✎ اگر برخی احزاب اصلاح‌طلب مثل حزب اعتماد ملی، جمهوریت یا اتحاد ملت افرادی مانند رضا خاتمی را بخواهد مطرح کنند و حزب شما کاندیدا نداشته باشد و از شما بخواهند که به خاطر آنها کنار بروید، آیا کارگزاران کنار می‌روند؟

احزاب اصلاح‌طلب قبیل از ثبت‌نام یا بعد از بررسی انجام صلاحیت‌ها باید تلاش کنند. مثلاً اگر تعدادی از کاندیداهای اصلاح‌طلب از حزب ما تأیید شدند، باید سعی کنیم نظر دیگران را با خودمان همراه کنیم. در غیر این صورت باید بررسی شود که اگر ادامه دهند و حمایت کنند، آیا آنها رأی می‌آورند یا خیر؟ اگر فکر کردند رأی نمی‌آورد، انصراف دهند اما اگر چند کاندیدای اصلاح‌طلب حضور داشتند، باید برای ائتلاف تلاش شود. ائتلاف حول یک محور است که براساس ابزارهای نظرسنجی باید کاندیداهایی که احتمال رأی‌آوری بیشتری دارد، حول آن ائتلاف صورت گیرد و همگی از آن کاندیداها حمایت کنند. البته هنوز روی این نظریه صحبتی نشده است.

✎ جایگاه آقای خاتمی را در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده چگونه ارزیابی می‌کنید؟ او در انتخابات دوره یازدهم، مجلس دهم و خبرگان نظری نداد.

امروز آن شرایط فراهم نیست، ضمن اینکه خود مردم شخص محمد خاتمی را دوست دارند اما او از کاندیدایی حمایت و تبعیت نمی‌کند. این زمینه فراهم نیست به‌جز اینکه اصلاح‌طلب‌ها بر سر یک کاندیدای شاخص به توافق برسند و خاتمی از آن کاندیدا حمایت کند. این طریقی نیست که بگویند به فلان فهرست در شوراها، مجلس و ریاست‌جمهوری رأی دهند. باید خود کاندیدای مورد نظر میان مردم پذیرفته شود اما اگر شخص خاتمی وارد عرصه شود به‌طور حتم انتخاب خواهد شد.

✎ چرا نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری، شعارها و برنامه‌هایی در چارچوب قانون اساسی و اختیارات قانون اساسی ارائه نمی‌دهند که مثلاً رؤسای جمهوری مانند خاتمی و احمدی‌نژاد و... می‌گویند: اختیارات ما کم است. مگر آنها قانون اساسی را مطالعه نکردند؟
یکی از دلایل مشکلات ریشه‌ای کشور همین اشکالات ساختاری است که مربوط به قانون اساسی می‌شود. ترتیب قوانین مشخص نشده است و چون اختیارات و منصب‌ها متناسب نیست. قوه مقننه ما ناقص

است. دو مجلس باید داشته باشیم. شورای ملی، شورای اسلامی، سنا و به امثال مهندس باهنر نیاز داریم. نمی‌شود شورای نگهبان را به مجلس بسپاریم و وظایف سنگینی را بر عهده‌اش بگذاریم.

✎ چرا احزاب در ایران با نمی‌گیرد؟

جوابش کوتاه است. هرگز احزایی که در قدرت سهیم نشود پا نمی‌گیرد. زمانی افراد قدرتمند از عضویت در احزاب استقبال خواهند کرد که بتوانند در قدرت و اداره کشور از طریق صندوق رأی، سهمیم شوند. یعنی بتوانند کاندیدا معرفی شوند و تأیید صلاحیت شوند. در انتخابات شرکت کنند و شورا و مجلس از خودشان باشد.

✎ آیا برنامه حزب کارگزاران برای انتخابات ۱۴۰۰ آماده شده است؟
شورای مرکزی، راهبر্দ خودش را تهیه می‌کند که بگوید راهبر্দ و انتظار من از کاندیدای ریاست‌جمهوری این است. اقدامات و جمع‌بندی برای رسیدن به کاندیدایی که شورای هماهنگی کشور انجام می‌دهد، صورت می‌گیرد و حزب در آنجا نقش قوی دارد تا وقتی کاندیدایی خاصی از خروجی شورای هماهنگی بیرون آمد، حزب نظر خودش را اعلام کند که البته هنوز به این مرحله نرسیده‌ایم ولی در دوره‌های قبلی حزب همیشه با بقیه احزاب به هماهنگی و تفاهم رسیده است و به سمت ائتلاف می‌رود. در شوراهای اسلامی شهر هم همین‌طور است.

✎ انتقاد شما به عنوان فردی که عضو شورای هماهنگی اصلاحات نیز هست، نسبت به جبهه اصلاحات چیست؟

انتقاد من این است؛ مسئولینی که در رأس امور هستند، مراقب این مهم نیستند. هر شخصی که بیشتر تملق کند، جایگاه بیشتری دارد. دوم؛ اینکه روحیه محافظه‌کاری حاکم بر اصلاح‌طلبان و شورای اصلاحات بسیار زیاد است و مواضع اصولی، مشخص و شفافی در کشور و در جبهه اصلاحات اجرا نمی‌شود. دلیل آن هم ترکیب شورای هماهنگی است که احزاب بر اساس وزنشان رأی ندارند و رأی‌ها برابر است؛ یعنی از نظر سهم‌شان در اتخاذ تصمیم‌ها و برنامه‌ها برابر است؛ بنابراین خروجی چنین تصمیمات و برنامه‌هایی، درست نیست. سومین انتقاد؛ اعضای شورای هماهنگی بر اساس وزنشان در تصمیم‌گیری‌ها و تهیه برنامه‌ها نقش ندارند. بعضی از احزاب گفتند باید همین شورای هماهنگی مرجع باشد، چرا باید خود خاتمی افرادی را بیاورد و بخشی از این احزاب، پارلمان اصلاحات را مطرح کردند و پارلمان اصلاحات هم به نتیجه نرسید؛ چراکه ما باید به سمت کارکرد حزبی برویم و به حزب قوی برسیم، از تشکل‌های من‌در‌آوردی و ستادهای هماهنگی دوری کنیم. هدف نهایی ما نباید ساختن شورای هماهنگی باشد. این نگاه جوان‌گرایانه نگاه خوبی است اما باید جدی بخواهیم که برای اداره حزب، به قانون اساسی برگردیم.

✎ چند احتمال می‌دید حزب کارگزاران به سمت علی لاریجانی برود؟ چون دو سال پیش آقای عطربافر گفت اگر قرار باشد بین عارف و لاریجانی یکی را انتخاب کنیم، لاریجانی انتخاب ماست.
در حال‌حاضر احتمالش صفر است. خانواده لاریجانی نسبت به سه سال پیش تغییر بسیاری کرده است. علی لاریجانی باهوش و سیاست‌مدار است. زمانی که رئیس صداوسیما و وزیر ارشاد بود، سابقه خوبی نداشت و در مقابل اصلاح‌طلبان بود. البته اکنون حزب کارگزاران اگر مجبور باشد از علی لاریجانی حمایت می‌کند، به این دلایل و به دلیل طرفدارنداشتن، استفاده از کاندیدای استیجاری بسیار قوی است اما نمی‌توان به‌سادگی به طرف کاندیدایی به غیر از کاندیدای اصلاح‌طلب رفت.

✎ یعنی شما، مانند سال ۹۲ بین لاریجانی و روحانی فرق می‌گذارید؟ پس به نظر شما، روحانی به اصلاح‌طلبان نسبت به لاریجانی نزدیک‌تر بود؟

خیر. من این را نمی‌گویم. لاریجانی فعلی، نشان داده است که با اصلاح‌طلبان بهتر کار می‌کند. مثلاً مصوب‌کردن برجام و تلاش برای تثبیت لایحه اما لاریجانی از روحانی بسیار زرنگ‌تر است و هم وقت و انرژی بیشتری دارد و هم جوان‌تر است، از نظر خانوادگی هم در حوزه اداره کشور قوی‌تر بوده و هم خطرپذیرتر از روحانی است.

✎ آیا باور دارید که اگر اصولگراها در سیاست به قدرت برسند، باز مذاکره می‌کنند؟

بله صددرصد. هرکس انتخاب شود دوست دارد با مذاکره ناجی کشور باشد.

یادداشت

منافع مشترک در کاسب‌ندانستن وکیل

محمدعلی بهمنی‌قاجار*

● تصویب تبصره ۲ ماده ۷ طرح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در مجلس و کسب‌وکار قلمدادکردن وکالت، جدای از بی‌اهمیت‌کردن نهاد وکالت، زمینه‌ساز فساد گسترده خواهد شد. حیرت‌آور است در شرایطی که شعار اصلی و برنامه محوری قوه قضائیه مبارزه با فساد قضائی بوده است، از سویی دیگر طرح‌های این‌چنینی مطرح می‌شوند که به‌نوعی آشکارا فساددخیز هستند. جذب بی‌رویه وکیل در آزمون مرکز وکلا، در دستور قرارگرفتن طرح‌هایی برای دخالت رسمی مؤسسات حقوقی در امر قضا و امکان حضور نمایندگان شخصیت‌های حقوقی غیرودلتی در دادرسی همگی بسترها را برای فساد و کارجاق‌کنی فراهم آورده و وکالت را از بال فرشته عدالت به‌نوعی کاسبی با عدالت تبدیل می‌کند. وکالت دادگستری از آن‌چنان جایگاه شامخی در نظام حقوقی ایران بهره‌مند است که یک اصل قانون اساسی یعنی اصل ۳۵ این قانون به حق‌داشتن وکیل اختصاص یافته و این اصل در ذیل فصل حقوق ملت درج شده است. حال اگر وکیل را کاسب بدانیم، باید پذیریم وکالت شغلی است انتفاعی و سودمحور و چگونه می‌توان چنین شغلی را دارای احترام و احترامات قضائی دانست؟! درهای وکالت از باز کرده و هزاران وکیل به‌وسیله نهاد موازی جذب می‌کنیم، نهاد و نظام عدالت را پذیرای حضور هزاران وکیل بی‌کار و کم‌سواد می‌کنیم. پای مؤسسات حقوقی و اشخاص غیروکیل و حتی غیرحقوق‌دان را به دادرسی باز کرده و وکالت را نیز که کاسبی قلمداد می‌کنیم، با چنین اوصافی دیگر چگونه می‌توان شان قضائی برای وکالت قائل شد؟ چگونه می‌توان مانع وکالت تضمینی شد؟ با چه سازوکاری می‌توان از تبلیغ وکالت جلوگیری کرد و وکیلی را که به حکم قانون کاسب قلمداد کرده‌ایم، پایبند به سوگند وکالت متعهد به معاضدت و وکالت تسخیری و رعایت شان وکالت در زندگی خصوصی و حرفه‌ای دانست، مبارزه با فساد قضائی به بازداشت ۱۰ و ۱۲ نفر متهم به فساد نیست، مبارزه با فساد یعنی نابودی زمینه‌های فساد اما با طرح‌های فعلی نه‌تنها مبارزه با فساد محقق نخواهد شد بلکه شورش‌بختانه باید نگران فساد بود. بر شورای محترم نگهبان و قوه قضائیه است که نه از برای وکلا بلکه برای صیانت از شرع و قانون اساسی و حقوق ملت و از همه مهم‌تر برای پیشگیری از گسترش فساد مانع از کسب‌وکار قلمدادشدن وکالت شوند.

چندی پیش ریاست محترم قوه قضائیه در سخنانی درست و شایسته گفتند که وکالت نباید تضمینی باشد یا بهره‌رقتن از ذخیره غنی ادبیات فارسی و در تأیید این کلام دقیق و اصولی قاضی‌القضات، باید گفت: جانا سخن از زسان ما می‌گویی، اما پس از آن می‌بینیم که طرعی در مجلس تصویب و وکالت دادگستری کاسبی قلمداد می‌شود، کاسب هدفش کسب درآمد است، اگر وکالت را کاسی بدانیم، عدالت نیز متاعی قابل خرید و فروش خواهد شد که با اندکی رابطه می‌توان تحصیل آن را تضمین کرد و همگی این امور به ترویج همان وکالت تضمینی منجر می‌شود که ریاست قوه قضائیه به‌درستی از آن انتقاد کرده بود. افزون بر آن طرchi در مجلس در دست بررسی است که نمایندگی اشخاص غیروکیل در دادگاه برای اشخاص حقوقی خصوصی نیز پذیرفته شود، همه ابزارها و امکانات و زمینه‌ها برای ترویج و اشاعه فساد در حال فراهم‌شدن است. کار از بحث استقلال کانون وکلا و مصالح صنفی نهاد وکالت گذشته است، اکنون سلامت و امنیت قضائی در معرض خطر و تهدید قطعی است. در اینجاست که منافع مشترک قوه قضائیه و کانون‌های وکلا بیشتر نمود پیدا می‌کند، اجرائی‌شدن و تحقق سند امنیت قضائی اخیرالتصویب ریاست محترم قوه قضائیه در گرو حاکمیت دادرسی منصفانه بوده و دادرسی منصفانه با استقلال قضائی، استقلال نهاد وکالت و ریشه‌کنی فساد محقق می‌شود و در نیل به همگی این اهداف والا، نهاد وکالت و قوه قضائیه باید پشتیبان و یاری‌سان یکدیگر باشند.

✱ وکیل پایه‌یک دادگستری و دکتری حقوق بین‌الملل

آگهی تغییرات شرکت بهان تدبیر آوین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۰۲۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۸۱۶۱۹ به استناد صور تـجـلـسه مـجمـع عـمـومـی عـادـی سـالـیـانـه مورخ ۹۹/۰۴/۱۰ تصمیـمات ذیل اتخـاذ شد : خانـم فریدـه برکـایـان زنجـانی کدملـی: ۴۲۸۰۷۰۹۸۰۸ به سمت بازرس اصلی و خانـم عالیه موسوی باغبان کدملـی: ۱۸۸۱۵۵۲۵۰۰ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. اعضای هیئت مدیره به شرح ذیل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند: آقای محمد گنج کدملی: ۰۰۱۱۶۰۷۷۱۸ به سمت عضو و نایب رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل – آقای رضا شاهمرادی کدملی: ۲۲۷۰۲۶۵۹۹۱ به سمت عضو و رئیس هیئت مدیره – خانـم فروغ اثنـی عـشری کدملـی: ۱۷۴۱۵۱۱۲۸۰ به سمت عضو هیئت مدیره امضاء کلیه اوراق و اسناد و مدارک تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، پروات، قراردادها و عقود اسلامی و کلیه اوراق عادی و اداری با امضاء مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر میباشد. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۲۹۴۰)
آگهی تغییرات شرکت بهان تدبیر آوین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۰۳۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۸۱۶۱۹ به استناد صور تـجـلـسه مـجمـع عـمـومـی فوق العاده مورخ ۹۹/۰۴/۱۵ تصمیـمات ذیل اتخـاذ شد : نشانی مرکز اصلی شرکت به: استان تهران – منطقه ۱۴، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله طرشت، خیابان شهیدجواد اکبری، بن بست لاله، پلاک ۰۰، طبقه دوم – کد پستی ۱۴۵۸۷۴۴۸۱۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید. – کلیه سرمایه تعهدی شرکت توسط صاحبان سهام پرداخت گردیده است. سرمایه شرکت از مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ازطریق مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت افزایش یافت. لذا سرمایه شرکت عبارتست از مبلغ ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال منقسم به ۲۰,۰۰۰ سهم با نام ۱۰,۰۰۰ ریالی که تماماً نقدی و پرداخت گردیده است. در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء شد. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۲۹۴۱)